

گفتگو با تاریخ- کیانوری

کاپیتولاسیون

لکه ننگی بر دامن استقلال ایران

اینطور نبود که فقط آقای خمینی مخالفت کرد. این سند که در دو مجلس سنا و شورا از تصویب گذشت، موجی از مخالفت را در جامعه بوجود آورده بود و آقای خمینی همین واکنش مردمی را در سخنرانی خود در سال ۱۳۴۳ با مواضعی تند اعلام داشت

همیشه دوتا امریکا وجود داشته، بقول گرومیکو، یکی کندی است که چیزهایی دلش می خواسته اما نمی توانسته و باید سیاست عمومی امریکا را اجرا می کرد. باید سیاست جانسون را اجرا می کرد؛ درست مثل روزولت. در امریکا همیشه دو تا سیاست در عین حال پیش می رود، یک سیاست عمومی است که رئیس جمهور با طبیعتی که خودش دارد انجام می دهد، یک سیاست هم سیاست کلی است. بازار تعیین کننده این سیاست است و هیچ چیز دیگری نیست.

حالا برگردیم به دورانی که گروه تحصیلکردگان جوان طرفدار امریکا در دهه ۴۰ سرکار آمدند. این گروه ها، احزابی را هم درست کردند مثل حزب ایران نوین که حکومت را هم بدست گرفت. حسنعلی منصور حاصل این ماجرا بود.

آنها در ابتدا وکیل مجلس بودند، انتخاب شدند. بعد هم منصور، همان دوستانی را که با او وکیل گروه اصلی بودند به عنوان وزیر معرفی می کند. که اولین وزیرایش عبارت بودند از دکتر باقرعاملی، خانم فرخ رو پارسا، دکتر سیدضیاء الدین شادمان، دکتر هادی هدایتی، دکتر ناصر یگانه، دکتر فریدون معتمد وزیری و دکتر محمد سام. اینها همه از مجلس بیرون آمدند و یک عده از وزرای قدیم کابینه علم هم به آن اضافه شدند و کابینه دولت منصور را تشکیل دادند. اینجا بحث مهم کاپیتولاسیون شروع شد. امریکایی ها از دیر باز می خواستند همان وضعی که در فیلیپین داشتند و در کره جنوبی دارند، و آن عبارت است از این که کلیه کارکنان خودشان را برای هر جنابیتی آزاد بگذارند که هر کاری هم که کردند [کسی با آنها کاری نداشته باشد]. امریکایی ها می خواستند که این را به صورتی به مجلس سنا بدهند که تصویب بشود. ماده واحده ای که علم آن را در دوران خودش داد؛ ماده واحده لایحه کاپیتولاسیون امریکایی، مجلس سنا در جلسه خود، متن یادداشت شماره ۸۲۹۶ مورخ ۱۳۴۲/۸/۲۶ وزارت امور خارجه شاهنشاهی و یادداشت ۲۹۹ دسامبر ۱۹۶۳ سفارت کبرای ایالات متحده امریکا در تهران را تصویب و به دولت اجازه اجرای مفاد تعهدات ناشی از آن را داد. زمان نخست وزیری اسدالله علم ماده واحده ای را در همین رابطه برده بودند که در آن موقع تصویب نشد و همین جور ماند. باز هم از همان کتاب «شیر و عقاب» نقل می کنم که می گوید:

در کاپیتولاسیون اشتباه مصیبت باری است که منافع امریکا را دچار مشکل خواهد نمود. این عمل ناشیانه و زشت، نشانه ای از رفتار خشن و احمقانه امپریالیسم بود ولی با این همه ما آنقدر فشار آوردیم تا به اجرا درآمد و مردم نسبت به این خبر واکنشی تلخ و خشم آگین از خود نشان دادند. فقط معدودی از پژوهندگان امریکایی و ناظران امور دریافته بودند که آنچه واقع می شود در دراز مدت صورت پر اهمیتی خواهد گرفت. بر خلاف قرارداد کاپیتولاسیون که بیشتر در برگیرنده نظامیانی بود که در فرانسه در دریاها خدمت می کردند، در تنظیم نوع ایرانی آن به طور استثنایی به ایالات متحده اجازه داده شده بود تا در تمام موارد و در مورد تمام کارمندان حتی غیر نظامی تنها از حوزه قضایی خود امریکا استفاده کنند. یعنی حتی مستخدم هم که می آوردند، هر کسی که در این دستگاه بود فرقی نمی کرد. این شکل از قرارداد که بین ایران و امریکا منعقد شده بود و به استثنای مواردی از آن در

آلمان غربی، در هیچ یک از کشورهای دیگر سابقه نداشت، خصوصا به لحاظ کاربرد بسیار گسترده آن. لذا هر گونه نظارت قانونی ایرانیان بر گروه‌های امریکایی مستقر در ایران را که دائما نیز رو به فزونی بوده، بی اثر و خنثی می کرد و این می توانست به خویشان و بستگان آنان نیز بسط یابد. موضوع مصونیت قضایی بیگانگان در داخل ایران همواره برای ایران حساسیت برانگیز بوده است.

مجلس سنا تا نیمه شب جلسه تشکیل می دهد. به این شکل است که: «در جلسه ۶۷ مجلس سنا، سوم مرداد ۱۳۴۳، ۲۵ ژوئیه ۱۹۶۴ لایحه شماره ۲۱۵۷-۲۲۹۱-۱۸ مورخه ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت مربوط به استفاده مستشاران نظامی امریکا در ایران از مصونیت ها و معافیت های قرار داد وین را در این کمیسیون با حضور آقای دکتر انصاری معاون وزارت امور خارجه، مورد رسیدگی واقع و پس از بحث کافی ماده واحده با اصلاحات عبارتی به تصویب رسید و برای اظهار نظر به کمیسیون جنگ ارسال شد. کمیسیون مزبور لایحه را با حضور تیمسار سپهبد صنیعی وزیر جنگ و آقای میرفندرسکی معاون وزارت امور خارجه مورد شور قرار داده و ضمن تأیید از نظر کمیسیون خارجه، آن را تصویب نمود که اینک گزارش آن به شرح زیر برای شور اول مجلس محترم سنا تقدیم می شود. مخبر کمیسیون خارجه عباس مسعودی»

لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی امریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرارداد وین. ماده واحده: «با توجه به لایحه شماره ۲۱۵۷-۲۲۹۱-۱۸ تاریخ ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائ آن که در تاریخ ۱۳۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می شود که رئیس و اعضای مستشاران نظامی ایالات متحده در ایران که به موجب موافقت نامه مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می باشند، از مصونیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند اول، ماده اول قرارداد وین که در تاریخ ۱۸ آوریل مطابق ۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است می باشد، برخوردار نمایند».

گروهی تحت رهبری بهبودی- رئیس دفتر شاهنشاه- که دو پسرش در مجلس، نماینده ایران نوین بودند، در مخالفت با این لایحه صحبت می کنند. خبر آن وقتی به شاه می رسد، بهبودی را برکنار می کند. اما دو پسر او، همچنان حضور دارند. منصور در ملاقاتی که با عضو سفارت امریکا در ۱۲ آبان ۱۳۴۲ می کند (اسناد آن در جلد ۳۰ اسناد لانه جاسوسی ذکر شده) می گوید: «آقای بهبودی از مقامش در دربار برکنار شده زیرا تعدادی از نمایندگان را به وسیله فرزندش که عضو مجلس است به رد لایحه تشویق کرده. وی گفته بود که شاه در مورد کل ماجرا خیلی دچار تشویش شده و سه شنبه آینده سه تن از نمایندگان رامبد، سرتیپ پور و یکی دیگر از مخالفین در حمایت از لایحه و وضعیت سخن خواهند گفت».

بالاخره صحبت ها که تمام می شود، رأی گیری مخفی انجام می شود. از ۱۳۶ نفر حاضر، ۷۴ سفید به عنوان موافق ۶۱ رأی و مهره سیاه به علامت مخالف. یعنی با ۱۳ رأی اختلاف تصویب می شود. از همه جالب تر این است که عده زیادی از اعضای ایران نوین در رأی گیری شرکت نکردند. اصلا در جلسه به عنوان اینکه حتما نمی خواستند رأی مخالف بدهند، که افتضاح آن درآمد. این است که بالاخره با این ۱۳ رأی تفاوت تصویب شد. از این به بعد واکنش ها شروع شد. واکنش هایی که اول مهم است، این است که در جاهای مختلف تهدیدهایی پیدا می شود و مهمترین آن عبارت است از بیانات آتشین آقای خمینی در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ که سالروز تولد شاه هم بود. آیت الله خمینی در مدرسه فیضیه آن صحبت ها را می کند، بعدش دیگر مخالفت ها شروع می شود. آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه کاپیتولاسیون اعلامیه صادر می کند. اینها همه تمام می شود تا اینکه بحث هایی این طرف و آن طرف می شود و نخست وزیر توضیحاتی می دهد. خلاصه درگیری ها خیلی سخت می شود تا اینکه بالاخره به این می رسد که شب سیزدهم آبان ۱۳۳۳ کماندوها و چتربازان مسلح، به منزل آقای خمینی حمله بردند و با شکستن در اتاق اندرونی و ضرب و شتم افراد، ایشان

را به سرعت به تهران آوردند و مستقیماً به فرودگاه مهرآباد و بلافاصله به وسیله هواپیما به ترکیه تبعید کردند. رژیم هم اطلاعیه‌ای به این شرح می‌دهد:

«طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی چون رویه آقای خمینی و تحرکات مشارالیه علیه منافع ملت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شده بود در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۴۳ از ایران تبعید شدند.» باید تقریباً مسأله را در اینجا تمام شده فرض بکنیم. بعد هم منصور ترور می‌شود. در همان سال ۴۳ بود و بلافاصله شاه هویدا را که وزیر دارایی بود، به نخست‌وزیری انتخاب می‌کند.

راه توده ۱۶۱، ۲۰۰۷، ۱۲، ۱۷